



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان واکرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱ تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: روز تاب، جاده مخصوص کرج، نخ‌رزمین شماره ۴ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷
www.sharghnewspaper.ir
تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۵ اذان مغرب ۱۹:۵۴ اذان صبح فردا ۵:۰۶ طلوع آفتاب ۶:۳۴

چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۰، جمادی‌اول ۱۴۲۲، ۱۳ آوریل ۲۰۱۱، سال هشتم، شماره پیاپی ۱۲۲۰، شماره ۲۹۶ دوره جدید، ۲۰ صفحه

مستندهای خسرو سینایی در سینما آزادی

ایسنا: دبیر کار گروه نمایش انجمن تهیه‌کنندگان مستند ایران برنامه‌نمایش هفته آینده فیلم‌های مستند را در خانه هنرمندان و سینما «آزادی» اعلام کرد. جعفر صانعی مقدم گفت: دو فیلم کوتاه «قصه کوتاهی چند هزار ساله» و «گواهان تاریخ» به کارگردانی خسرو سینایی چهار شنبه هفته آینده ساعت ۱۸ تا ۲۰ در سینمای «آزادی» به نمایش عمومی در خواهد آمد. همچنین «گواهان تاریخ» نیز که در مدت زمان ۳۷ دقیقه درباره جواهرهای بانک مرکزی ساخته‌شده، اولین نمایش خود را هفته آینده در سینما «آزادی» خواهد داشت.



پنجره

حکایت داستان عاشقانه‌ای که مجوز نگر فت

سامان استرکی

■ جناب آقای سجادپور، ریاست محترم نظارت و ارزشیابی و اعضای محترم شورای تصویب فیلمنامه، سلام، بعد از آنکه طرح فیلمنامه «من» در آخرین جلسه‌ا‌ر شما در سال گذشته، «فاقد حداقل ارزش‌های عرفی، شرعی و خانوادگی» شناخته‌شد، بنده عرایضم را در اعتراض به این تصمیم‌گیری به آقای رسولیان منتقل کردم و ایشان که به‌نظر متقاعد شده بودند، خواستند تا موارد مورد نظرم را در کتابچه‌شورا ارایه‌دهم: «تهران، شهر- محله‌ای است با جمعیت ۱۵ میلیونی تشکیل شده از ماوشماهی که همگی‌من قبل‌ از ورود به این کلان‌شهر بی‌ در و پیکر، به‌چاهی ساده و صمیمی و انسان‌دوست شهرستانی و روستایی‌بودیم و پیش از به‌مستندنشدن در پست‌های‌مان، همه‌بنی آدم‌بودیم و اعضای یک پیکرادر هیچ پیکری‌ندانی را که‌نشانی از کرم‌خوردگی و عفونت‌بر آن دیده نشود حتی به‌جرم زردشدن، نمی‌کنند و از مکانیزم هماهنگ بدن خارج نمی‌کنند. بنده‌سه فیلم‌بلند و سینمایی ساختم که همگی مجوز ساخت و نمایش داشته‌اند و البته هیچ کدام رنگ‌نمایش به‌خود ندیده‌اند! ولی با اینکه در دو فیلم «یک ایستگاه جلوتر» و «صندلی خالی» به موضوعات معاد و جبر و اختیار و مباحثی چون مرگ و پرسشگری در باب وجود خداوند پرداخته‌ام، از هیچ کدام از فیلم‌هایم حتی یک‌سکاس حذف‌نشده‌است. حال بعد از ۱۲ سال کار و نمره‌انشاء و ریاضی و انضباط خوب، قصد کردم فیلم اجتماعی بسازم آن هم عاشقانه! قصه چند خطی فیلمنامه «من»، حکایت یاس، زنی است که عاشق مردی به‌نام‌افشین است، مردی که پس از اتفاق‌هایی دچار جنون ادواری شده‌و به تیمارستان منتقل می‌شود. یاس به ناچار تحت فشارهای خانواده با همکارش امان از دواج می‌کند! افشین پس از مدتی از تیمارستان آزاد شده و روابط احساسی و عشق‌باقی مانده میان یاس و افشین باعث فروپاشی زندگی یاس و امان می‌شود و میوه‌ناقص زندگی آنها که کودکی است آسمی به‌نام علیرضا را تا پای مرگ می‌کشد، حال چه چیز ترحمت‌دهنده‌تر از مادرانگی یاس است برای علیرضای نفس از دست‌داده؟ هیچ! دقت بفرمایید! این قصه «فاقد حداقل ارزش‌های عرفی، شرعی و خانوادگی» است!.

* کارگردان سینما



از صبح پنجشنبه ۲۶ اسفند در سینماهای: استقلال، فرهنگ، آزادی، پردیس ملت، آریکه، ایراتیان، پردیس شکوفه، پردیس زندگی،

چوان، موزه سینما، عصر جدید، استار، بهمن، سپیده، فلسطین، گلریز، ماندانا، پردیس قمشه، مرکزی، مهر دوسی، کارون، پایتخت

تلافی

همایون ارشادی: نگرانم سینمای بخش خصوصی ضرر به بینند

سپاه‌الدین بورقانی

■ همایون ارشادی اولین‌بار در سال ۷۵ در فیلم «طعم‌گیلاس» به کارگردانی عباس کیارستمی بازی کرد. فیلم موفق شد نخل طلای کن را به‌دست آورد و ارشادی به تدریج به چهره‌ای محبوب در سینما تبدیل‌شد. او گزینه کار است و اولین بازیگر رسمی پس از انقلاب است که در هالیوود حضور یافت. سال ۲۰۰۷ در «بادبادک بار» مارک فوستر بازی کرد و دو سال بعد هم در فیلم «آگورا ساخته‌آلخاندرو آمنابار فیلمساز اسپانیایی. ارشادی این روزها سرش شلوغ است و در فیلم‌های زیادی بازی کرده و مشغول بازی است. به گرمی بیش‌نهاد گفت‌وگرا پذیرفت و در باب مسایل مختلف سینما و فعالیت‌هایش صحبت کرد.



در خبرها خواندم که به تازگی بازی در چند فیلم را به پایان رسانده‌اید. ظاهرا امسال در سینما پر کار هستید.

بله، بازی در فیلم «یک‌سطر واقعیت» علی وزیریان را به تازگی تمام کردم و چندی پیش هم به ایبانه رفته‌بودم و در فیلم «پاکت» سامان مقدم بازی کردم. در فیلم «چک» کاظم راست‌گفتار هم مقابل دوربین رفتم. قرار است در «دبدگاه» محمدعلی باشه آهنگر هم بازی کنم. سکاس‌های مربوط به من باقی مانده و به زودی برای بازی در فیلم به آبادان خواهم رفت.

برنامه‌ای برای بازی در فیلم‌های خارجی دارید؟ پیشنهادهایی آمده ولی متأسفانه نمی‌شود قبول کرد. بالاخره باید رعایت برخی مسایل را کرد. هر سناریویی را نمی‌شود قبول کرد.

اگر بخواهید ارزایی کلی و مختصری از سینمای ایران در سال گذشته، چه به لحاظ محتوا و چه حواشی مربوط به اکران داشته باشید، چه می‌گویید؟

در سینمای ما همیشه حواشی وجود داشته‌است و شکل‌های مختلفی به‌خود گرفته‌است. مساله اکران همیشه مطرح بوده؛ خیلی‌ها از اکران فیلم‌هایشان راضی بوده‌اند، خیلی‌ها هم ناراضی. خیلی دقیق نمی‌دانم قوانین مادر مورد اکران چیست، ولی متأسفانه اصولا خیلی اوقات چیزی که باب میل ما نباشد به آن معتزیم، حتی اگر قانون باشد. سال گذشته فیلم‌های بسیاری ساخته‌شد. فیلم‌های زیادی در جشنواره دیدیم، ولی قسمت اعظم‌شان مربوط به دولت و سرمایه‌گذاری‌های دولتی بود. نگرانم که سینمای بخش خصوصی ضربه ببیند و نتواند در این زمینه سرمایه‌گذاری جدی داشته‌باشد. در حال حاضر نود درصد فیلم‌ها سرمایه‌شان بر نمی‌گردد. آیا این‌نامه جدید اکران را دیده‌اید؟ این آپین‌نامه‌ها هر سال تهیه می‌شوند و چیز جدیدی نیست. جدال بین خانه سینما و ارشاد هم به هر حال وجود دارد. خانه سینما خیلی در مقابل ارشاد قدرت ندارد. باید هر دو دست به‌دست هم دهند تا همه چیز به نفع سینما تمام‌شود و الا این‌طور خیلی خوب نیست. همان‌طور که گفتم در جشنواره فجر سرمایه‌گذاری‌ها دولتی بود. در نتیجه دولت هم ترجیح می‌دهد فیلم‌هایی را اکران کند که خودش سرمایه‌گذاری کرده‌است.

تفاوت نگاه دولت به سینما و نگاه خود سینماگران به این حوزه را در چه می‌بینید؟

دولت هر قدر هم که به دنبال کارهای سینما و پیگیری امور مربوط به آن باشد، باز هم کسانی که وارد به کار سینما باشند در ارشاد کم‌اند. صرفا چند نفر تصمیم‌گیری می‌کنند و کسانی که در رشته‌های مختلف سینمایی تبحر داشته باشند، وجود ندارند. در حالی که در خانه سینما اصناف و وزن‌های مختلف حضور دارند. طبیعتا باید بین هر دو، همکاری متقابلی وجود داشته باشد ولی قسمت اعظم کار دست خانه سینما باشد.

آخرین فیلمی که دیده‌اید چه بوده؟ چه پیشنهادی در زمینه سینما و موسیقی و کتاب برای خوانندگان دارید؟

«جدایی نادر از سیمین» را دیدم. فیلمی اجتماعی و در کمال سادگی که از همه لحاظ می‌تواند فیلم خوب تاریخ سینمای ما باشد. نگم انگ‌هست ولی در زندگی آدم‌ها همیشه این مسایل وجود دارد و سرشار از این مسایل اجتماعی است.

برداشت آخر

بلا تکلیفی سازمان اسنادو کتابخانه ملی ایران ادامه دارد

چهار ماه، بدون رییس

به عهده رییس‌جمهور است و دوست داریم هرچه زودتر تکلیف رییس این سازمان مشخص‌شود. پیش از این از نهاد‌های هویتی و فرهنگی کشور – خالی از سکنه‌است، روز گذشته هیاتی بلندپایه از کتابخانه ملی اتریش به ریاست «آندریاس فینگر ناگل» و به میزبانی سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وارد تهران شد و به امضای تفاهم‌نامه‌هایی متقابل در حوزه کتاب و کتابداری پرداختند. سفر رییس و هیات عالی‌رتبه مدیران و کارشناسان کتابخانه ملی اتریش در حالی این روزها محقق شده‌است که چهار ماه از استعفای «علی‌اکبر اشعری» از ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌گذرد و سیدمحمد حسینی، وزیر ارشاد، به عنوان یکی از اعضای هیات‌امتی این سازمان به استقبالی «آندریاس فینگر ناگل» و همکاران وی رفت. این در حالی است که به گفته حبیب‌الله عظیمی، معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، «آندریاس فینگر ناگل» و هیات همراهش از موضوع استعفای اشعری مطلع بودند و با اینکه می‌دانستند این نهاد ایرانی بدون متولی است وارد ایران شدند با این حال، شرایط به گونه‌ای است که «حسینی» وزیر ارشاد، روز گذشته در نشستی بعد از حضور هیات اتریشی در تهران، در آخرین اظهارنظرها درباره انتخاب رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی گفت: «افرادی در نظر گرفته شده‌اند، اما تا به نتیجه نهایی نرسد نمی‌توان آنها را معرفی کرد. هنوز جایگزینی برای «اشعری» انتخاب نشده‌است. این مساله مستلزم معرفی رییس کتابخانه ملی از طرف هیات انمابه رییس‌جمهور است که هنوز فرصت این کار پیش نیایده‌است.» عظیمی، معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی به «شرق» گفت: «خانم» آندریاس فینگر ناگل» مدت‌ها پیش توسط آقای «اشعری» برای حضور در ایران و امضای تفاهم‌نامه‌ها دعوت شده بودند که هر بار این سفر به تعویق می‌افتاد و در نهایت در فروردین ماه این سفر محقق شد. ایشان حتی در آخرین مکاتباتی که بین طرف ایرانی و اتریشی صورت گرفت از استعفای آقای اشعری مطلع بودند ولی خواستند که به ایران سفر کنند. «معاون سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، درباره غیبت رییس این سازمان در این تشریفات و تأثیرات منفی آن گفت: «حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از اعضای هیات‌امتی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و به نوعی میزان این مراسم باعث شد تا این تأثیر منفی از بین رفته باشد.» عظیمی درباره هزینه‌های تصدی ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران گفت: «از گزینه‌ها مطلع نیستیم اما طبق روال، انتخاب رییس این نهاد

نگاه از بیرون

اقتصاد مدنی

زندگی اقتصادی را بر مبنای مدنیت، راه برون رفت از غایت‌شناسی و خیالبافی‌های ذهنی شناسایی کرد. از این نظر معنای زندگی عبارت شد از تعامل اقتصادی بر محور مدنیت و اصل زندگی مدنی و عقلانی که ساختار نظام خانواده را به سوی عقل‌گرایی سوق داد و روابط سببی و نسبی خویشاوندسالاری جای خود را به رفاقت و دوستی میان همه آدمیان واگذار کرد و سیاست به فن اداره امور تبدیل شد یعنی قدرت‌طلبی آدمی تجزیه و به عنوان ملاط مناسبات اقتصادی به کار آمد و جاه‌طلبی سیاسی مضحکه و موضوع شوخی و خنده عالمسان شد. در نتیجه، کدریجا عقلانیت و مدنیت مبنای اقتصاد مدرن شده به طوری که هر کس که با عقل بیگانه نباشد فعالیت اقتصادی را به مثابه معنای زندگی تفسیر خواهد کرد و لاجرم اقتصاد مدنی موتور تاریخ جدید بشر شناخته شد. بنابراین تولید کالا اعم از مادی یا معنوی مرکز ثقل روابط اجتماعی شد و حتی هنر مند نقاش اکنون مجبور است با حضور در گالری و تخمین تقاضا برای کار هنری خود طی طریق کند یعنی همه مناسبات میان فرد و جامعه دو طرفه شده‌است، از این رو آهسته آهسته اقتصاد مدنی در جایگاه والا‌یی نشست و به تولیدگری یعنی آفرینش، ابداع و اختراع منتهی شد. حالا می‌توان گفت بشر هرگز به فیتیشیزم باز نخواهد گشت زیرا اکنون توقف در خود پرستی به عوض بت پرستی در اقتصاد مدنی، مطرود است، پس با اقتصاد مدنی بود که میادله در مرکز همزیستی اجتماعی قرار داده شد و بت پرستی برای همیشه در تاریخانه تاریخ مدفون شد. شناخت اقتصاد مدنی همانند درک حقوق مدنی ضرورت برپایی نظمی اقتصادی است تا هر فعالیت اقتصادی، گامی به سوی پر معنایی و پایان پریشانی روح آدمی باشد. حالا آدمی فهمید پرستیده شدن هر چیز مادی میادله‌ای یک طرفه است و باید به چنین روندی پایان داد.

«نویسنده کتاب تجربه سرمایه‌داری دولتی در ایران



علی فتاحی*

خیلی‌ها فکر می‌کنند اقتصاد بدون مدنیت می‌تواند موضوع شناسایی علمی قرار گیرد، البته تردیدی نیست که حیات اقتصادی باز زندگی آدمیان رابطه تنگاتنگی داشته، اما در صورتی اقتصاد مثل شیمی یا مانند ریاضیات می‌توانست به قلمرو علم راه یابد که در چارچوبی نظم‌یافته فرصت شناخته‌شدن و به معرفت در آمدن را فراهم می‌کرد. اقتصاد مدنی دقیقا عنوانی برای همان چیزی است که زمینه رشد استعدادها و بسپج اراده‌ها را بدون ضرورت تهییج‌گری مهبای می‌سازد و همین پایه و اساس دانش اقتصادی است چرا که به تجارب جهانی نشان داد اقتصاد منهای مدنیت، ره به جایی نمی‌برد، حتی در دوران غلبه کمونیسم در اردوگاه شرق استخوانوویسم می‌کوشید با بسیج مردان و زنان کمونیست، اقتصاد رقابتی بی‌ریشه‌ای در زندگی مردم نهادینه کند اما مگر تا کی می‌توانستند به شعار و بسیج نیروها و تهییج متوسل شوند، بی‌شک استفاده مقطعی از تهییج گاهی اوقات مفید فایده بوده‌است، اما آنچه اراده‌ها را در درازمدت تجهیز می‌کند عقلانیت پایدار و ایجاد ارتباطات فرا خانوادگی و ناخالقایی و غیر تاریخی و نه ازما غیرسیاسی مانند امنیت، سلامت جسمانی، راحتی، اجتماع و آزادی میان اهالی جامعه است. تنها در این صورت اقتصاد و مدنیت به یگانگی می‌رسند و زندگی روزمره را رشد و توسعه روزافزون، معنادار می‌شو، در غیر این صورت، زندگی آدمی بدون توهم و خیال پردازی، بی‌معنا و پوچ خواهد بود. در واقع بشر پس از فلسفیدن‌های صوری فراوان برای ترسیم هویت‌بودشناسی (انتولوژیک) برای خود و تعبیه معنا برای زندگی و رهایی از بدبینی و پوچ‌گرایی،